

گفت وگو با صاحب نظران هنر مشهد که از ظرفیت های مغفول هنر تعزیه خوانی می گویند

تعزیه، کهن ترین نمایش ایرانی باریش – به های اعتقادی واسطوره ای



طنین همتی

تعزیه و تعزیه خوانی چیزی فراتر از یک نمایش ساده است. این هنر، ترکیبی از بازیگری، موسیقی و باورهای قلمبی مردم است که سال ها در میدان های شهرهای کشور، به ویژه در ایام محرم و صفر، اجرا شده است. اما امروز وضعیت این هنر تغییر کرده و حتی در مشهد که همیشه مرکز اصلی تعزیه خوانی بوده است، شاهد هستیم که این هنر دیگر آن شور و هیجان سابق را ندارد و آرام آرام درحال فراموش شدن است. در این گزارش شهرآرا با پژوهشگران و هنرمندان دغدغه مند این حوزه گفت وگو کرده ایم تا ابعاد مختلف این هنر آیینی و جایگاه آن در دوران معاصر بررسی شود.

هنر تعزیه خوانی در بدنه فرهنگی کشور رو به زوال است

رضا صابری، هنرمند پیشکسوت تئاتر کشور، با اشاره به وضعیت نگران کننده جایگاه «تعزیه» در فرهنگ معاصر، اظهار کرد: موضوع تعزیه، موضوعی جهانی است. فرم ها متفاوت است، اما مفهوم نمایش های آیینی و اعتقادی در همه ملت ها دیده می شود. آنچه ما داریم، یک نمایش میدانی و محیطی است که از قرون وسطا و زمانی که سالن های نمایش وجود نداشت، در میادین باز و در میان مردم جوشید. این نویسنده و کارگردان مطرح شهرمان با اشاره به تغییرات زیست فرهنگی و اجتماعی این هنر گفت: تعزیه ماهیتی مردمی و اعتقادی دارد. در گذشته، به دلیل نبود سالن های اختصاصی، همه چیز در میدان ها اجرا می شد. متأسفانه در دوره ای، اجرا در قبرستان ها دیده می شد که از نظر من، دورانی بسیار دشوار و نامناسب برای این هنر بود. وی در ادامه با اشاره به تمایز میان تئاتر کلاسیک و تعزیه، بیان کرد: نباید تعزیه را صرفا تئاتر بنامیم. زیرا خاصیت تئاتر با ماهیت چندوجهی و اعتقادی تعزیه متفاوت است. برای مثال، در بحث تکنیک، همان طور که اسنادی چون بهرام بیضایی به «فاصله گذاری» اشاره کردند، در تعزیه تماشاگر نباید فقط درگیر تکنیک بازیگری شود، بلکه هدف، درگیرکردن اندیشه و باور اوست. تعزیه، جوشیده از دل اعتقادات مردم به اولیاء...! است.

- دو روی سکه فرهنگ ایرانی؛ تعزیه و تخت حوض

صابری با یادآوری میراث غنی ایران، دو شاخص اصلی نمایش های سنتی مثل تعزیه و تخت حوض را معرفی کرد و این گونه نمایش ها را در روی یک سکه در فرهنگ ایرانی دانست. به گفته او، اگر تعزیه با اشک، آه و سوگواری پیوند دارد، تخت حوض با خنده و طنز شناخته می شود.

این دو، جلوه های نمایشی اصیل کشور ما هستند و قدمتی چندصدساله دارند. اما متأسفانه به دلیل نبود پیگیری درست، از رونق افتاده اند.

- چرا تعزیه از رونق افتاد؟!

پیشکسوت تئاتر با ابزار تأسف عمیق از وضعیت کنونی، علت اصلی افول این هنر را نبود متولی و تطبیق نداشتن با نیازهای دوران معاصر دانست؛ امروز تعزیه در بدنه کشور بسیار کم رنگ شده است و درواقع دارد می میرد. هنوز در برخی شهرستان های استان خراسان مثل سبزوار، نیشابور، کاشمر و گناباد، عشق به تعزیه در میان مردم زنده است و تماشاگران ساعت ها منتظر اجرا می مانند، اما این کافی نیست. تعزیه باید به عنوان یک هنر وارسته و پیونددهنده به فرهنگ و هنر مملکت رازشاسی شود، پیش ازآنکه فرصت احیای آن از دست برود.

تعزیه، بستر مهم حفظ موسیقی آوازی ایرانی

هوشنگ جاوید، پژوهشگر موسیقی نواحی ایران، درباره موسیقی تعزیه به نقش سازها، شیوه های آوازی و کارکرد موسیقی در شخصیت پردازی این هنر آیینی اشاره کرد و گفت: تعزیه یکی از بسترهای مهم حفظ موسیقی آوازی ایرانی بوده است و در تعزیه سنتی هر یک از طبل ها کارکرد و معنای مشخصی داشتند. او تأکید می کند که این الگوهای ریتمیک در گذشته بخشی از زبان موسیقایی تعزیه بودند. اما امروز در بسیاری از اجراها این ضرب آهنگ های اصیل کمتر شنیده می شود و به جای آن ریتم هایی اجرا می شود که به اعتقاد او با روح سنتی این هنر همخوانی ندارد.

این پژوهشگر ادامه داد: درحالی که در بخش سازی تعزیه برخی سنت ها کم رنگ شده، در بخش آوازی این هنر نقش مهمی در حفظ موسیقی ایرانی داشته است. به گفته او، حدود ۸۵ تا ۸۰ درصد از میراث موسیقی آوازی ایرانی در سنت شبیه خوانی حفظ شده است، بخش دیگری از این میراث از طریق هنرهای آیینی دیگر مانند شمایل گردانی، پرده خوانی، مرثیه خوانی، مصیبت خوانی و ذاکری حفظ و منتقل شده است.

- ثروت فرهنگی در خطر فراموشی

این هنرمند پیشکسوت تئاتر، با انتقاد از نبود جریان مستمر برای اجرای تعزیه، تأکید کرد که این هنر آیینی نباید فقط در مناسبت ها و مقاطع خاص اجرا شود، بلکه باید در طول سال برای حفظ جایگاه فرهنگی آن برنامه ریزی شود. صابری با اشاره به وضعیت امروز تعزیه گفت: این هنر باید به عنوان یک هنر ماندگار در طول سال اجرا شود، نه اینکه فقط در یک بازه زمانی خاص به آن توجه شود. امروز چنین جریانی نداریم و همین مسئله باعث شده است تعزیه کم کم در ذهن نسل امروز هم کم رنگ شود.

- نسل قدیم تر هنوز با تعزیه پیوند دارد

این هنرمند پیشکسوت با اشاره به مخاطبان تعزیه در استان خراسان تصریح کرد: در شهرستان های خراسان، به ویژه میان نسل قدیم، هنوز علاقه و اعتقاد به تعزیه وجود دارد. مردم با عشق امام حسین ^(ع) و با نیت ثواب در این اجراها شرکت می کنند و حتی هزینه های سنگینی هم برای برگزاری آن می پردازند. اینکه هنوز در برخی شهرستان ها تعزیه برگزار می شود، بیشتر به دلیل باورهای دینی و پیوند عمیق مردم با این هنر است، نه فقط به دلیل جنبه نمایشی آن.

چرا مشهد نتوانسته است جریان مداوم تعزیه بسازد؟ صابری نبود متولی مشخص و جریان مستمر برای تعزیه در مشهد را یکی از مشکلات اصلی دانست و گفت: جریان تئاتری در مشهد نتوانسته است عهده دار این هنر شود و آن را به یک برنامه مداوم تبدیل کند. تعب ا و راست که در شهری مذهبی مثل مشهد، پس از این همه سال، هنوز تعزیه جایگاه ثابتی پیدا نکرده است. شاید بعضی ها با خود تعزیه با نقش آفرینی در آن، مثل بازی کردن نقش امام حسین ^(ع) یا شمر مسئله داشته باشند و همین نگاه باعث شده است این هنر در کشور ما آن طور که باید با نگیرد. این پیشکسوت تئاتر کشور یادآور شد، بعد از انقلاب هم تعزیه در چند دوره اجرا شد، ازجمله در سالن قدیمی کشتارگاه مشهد، اما آن تلاش ها ادامه پیدا نکرد و اجراهای آن به صورت مقطعی باقی ماند، درحالی که تعزیه و آیین های مردمی، از جلوه های معتبر و خالص هنری و اعتقادی ما هستند. صابری با انتقاد از وضعیت رسانه ای و فرهنگی امروز گفت: امروز سریال های تکراری و کپی کاری های بی پایان در تلویزیون و رسانه های دیگر، باعث شده است از هنرهای اصیل خودمان فاصله بگیریم. همان طور که شعر کلاسیک، فردوسی، رودکی، عطار و خیام کم کم از ذهن نسل جدید دور شده اند، تعزیه هم در همین مسیر قرار گرفته است. این فاصله گرفتن فقط در تعزیه نیست، در بسیاری از حوزه های فرهنگی و هنری، از گذشته اصیل خودمان دور شده ایم.

لیاس، ابزار و هزینه؛ تعزیه، هنری پرخرج و دشوار صابری در ادامه به دشواری های اجرایی تعزیه اشاره کرد و گفت: لباس های تعزیه بسیار سنگین و فاخر هستند و هر رنگ و هر نقش، معنای خاص خودش را دارد. تهیه ابزار و ادوات صحنه هم هزینه بر و دشوار است و با وضعیت اقتصادی امروز، این مشکلات چندبرابر شده اند. البته مهم ترین بخش ماجرا، بی اعتنائی فرهنگی است. اگر مسئولان فرهنگی ما به تعزیه اهمیت می دادند، می توانستند با تخصیص اعتبار و برگزاری جشنواره های منظم، به این هنر جان تازه ای بدهند.

ضرورت حمایت برای حفظ میراث نمایشی ایران این هنرمند پیشکسوت در ادامه گفت: تعزیه و تخت حوضی از جلوه های مهم و معتبر فرهنگ و هنر ایرانی اند، اما امروز این میراث ارزشمند هر روز بیشتر به حاشیه می رود. اگر برای حفظ آن هاجراه ای اندیشیده نشود، از این سرمایه های فرهنگی فاصله بیشتری خواهیم گرفت. این بازیگر پیشکسوت درباره وضعیت هنرهای سنتی، از یک بحران نگرشی سخن گفت و افزود: برخی به جای نگاه به این هنرها به عنوان میراث ارزشمند، بر این نظرند که این نمایش ها با سبک زندگی امروز همخوانی ندارند، آن ها را نقد می کنند یا حتی به سخره می گیرند. این نوع نگاه، ضربه ای سنگین به بدنه هنر اصیل کشور ما وارد می کند.

وی با اشاره به برخی هنرهای فراموش شده گفت: «هنر تخت حوض» یا «بازی سیاه» از نظر من هنری فوق العاده، بی نظیر و از نظر معنا و فرم بازیگری، بی همتاست، اما متأسفانه برچسب «سخافه» به آن می زنند و می گویند نباید به آن پرداخت. حتی در جشنواره هایی که برگزار می شود، باز هم نادیده گرفتن این نوع نمایش ها دیده می شود. این ها همگی دست به دست هم می دهند تا از این میراث ها فاصله بگیریم. این هنرمند پیشکسوت با اشاره به غنای فرهنگی اقوام مختلف ایران، بر اهمیت حفظ نمایش های محلی تأکید کرد و گفت: مادر فرهنگ خودمان، انواع و اقسام نمایش های باارزش داریم؛ از «پرده خوانی» گرفته تا دیگر آیین های نمایشی که در میان اقوام مختلف کشورمان ریشه دارد. این با بخشی از هویت ملی ما هستند که نباید تحت تأثیر نگاه های گذرا از دست بروند.

صابری بار دیگر بر ضرورت تغییر نگاه جامعه و مسئولان تأکید کرد و گفت: مشکل اصلی، باورنداشتن و نپرداختن به این نوع نمایشنامه ها و بازی های زیبای صحنه و میدانی است. اگر می خواهیم از هویت خود محافظت کنیم، باید از نگاه تحقیرآمیز به هنرهای سنتی فاصله بگیریم و آن ها را به عنوان بخشی از کمال و زیبایی فرهنگ خود بپذیریم.

- نقش موسیقی در شخصیت پردازی تعزیه

به گفته این پژوهشگر، موسیقی در تعزیه نقش مهمی در تفکیک شخصیت ها دارد. شخصیت های مثبت یا «اولیا، معمولا با استفاده از گوشه ها و دستگاه های موسیقی ایرانی اجرا می شوند. در تعزیه اصطلاح «آوازخوانی» کمتر به کار می رود و بیشتر از واژه «زبان حال خوانی» استفاده می شود. زیرا اشعار به گونه ای نوشته شده اند که بیانگر حال و روایت شخصیت ها باشند.

او می افزاید، در این اجرا ها از گوشه هایی مانند «حسینی» و دیگر نغمه های مرتبط با فضای سوغ استفاده می شود تا روایت واقعه کربلا با حال و هوای موسیقی ایرانی پیوند بخورد. در مقابل، شخصیت های منفی یا «اشقیاء» معمولاً رجزخوانی می کنند. این رجزها بیشتر حالت فریاد، بانگ و تهدید دارند و برخلاف آوازهای اولیا، کمتر بر پایه ردیف و دستگاه های موسیقی ایرانی اجرا می شوند.

عباسعلی غلام زاده، پژوهشگر خراسانی، با اشاره به معنای تعزیه، آن را متفاوت از «شبیه خوانی» دانست و ریشه های آن را به دوران باستان و حتی پیش از اسلام باگرداند. از زمان های بسیار قدیم، از زمان جنگ بین ایران و تورانیان، وقتی سوزنای ایرانی بر کراسوس رومی پیروز می شود، مردم ایران فردی را در لباس کراسوس می ساختند و او را شبیه سازی می کردند. این رسم از همان زمان های بسیار قدیم وجود داشته است. همچنین، سوغ سیاوش یا همان سیاوش خوانی در ایران که از دوره کیانیان مشاهده می کنیم، وی با اشاره به اینکه در نگاه بسیاری از پژوهشگران، تعزیه کهن ترین شکل نمایش در ایران محسوب می شود، بیان کرد: در ایران، پیش از سفر ناصرالدین شاه به فرنگ و مشاهده تئاترهای اروپایی، تئاتر به شکل امروزی وجود نداشت. پس از بازگشت، او دستور ساخت «تکیه دولت» را داد.

- مسیر انتقال این هنر به خراسان

غلام زاده با بیان اینکه تعزیه در طول تاریخ، با تغییر قدرت های مذهبی، دچار اوج و فرود شده است، گفت: تعزیه در دوران سلجوقیان، غزنویان و تیموریان فراز و فرود داشت. اما در دوره قاجار به نقطه اوج خود رسید؛ زمانی که در تهران فقط در «تکیه دولت» اجرا می شد و ده ها تکیه و محله دیگر شاهد اجرای این هنر بودند. غلام زاده زوال تکیه دولت در تهران را یکی از عوامل اصلی توزیع جغرافیایی تعزیه در ایران دانست و گفت: تکیه دولت با عظمتی که در زمان ناصرالدین شاه و با هزینه های سنگین ساخته شد، در نهایت فروپاشید. این فروپاشی باعث شد تعزیه خوانان حرفه ای که از تکیه دولت بودند، برای امرار معاش به شهرستان ها مهاجرت کنند.

او با ذکر یک نمونه تاریخی از مسیر انتقال این هنر به خراسان، افزود: یکی از تعزیه خوانان تکیه دولت که با خاندان علم در بیرجند ارتباط داشت، پس از بروز برخی مسائل، به گناباد (قصبه) مهاجرت کرد. او آنجا زمین و املاکی خرید و تعزیه را در این منطقه مستقر کرد؛ میرانی که باعث شد نسل های بعدی، ازجمله خانواده من، با این سنت پیوند بخورند.

هشدار درباره تخصصی زدایی و اشعار کم مایه این پژوهشگر گنابادی با اشاره به ضرورت بازیگری در محتوای تعزیه برای پذیرش نسل جدید، تأکید کرد: امروز با وجود دسترسی بی سابقه به تاریخ در فضای مجازی، هنر تعزیه باید تعادلی میان عاطفه مذهبی و واقعیت های تاریخی و منطقی برقرار کند. ما نمی توانیم صددرصد به سمت روایت های صرفا تاریخی رویم، اما برای اینکه نسل روایت فکر امروز را با این هنر همراه کنیم، باید از روایت های سست فاصله بگیریم و به سمت آنچه با عقل، منطق و تاریخ همخوانی بیشتری دارد، حرکت کنیم. غلام زاده با انتقاد از کیفیت محتوایی در دوران معاصر و رواج اشعار سطحی، بیان کرد: بسیار نگرانم که آنچه در دوره قاجار (به دلیل رسوخ بیش از حد تعزیه در میان توده ها) رخ داد، امروز تکرار شود. متأسفانه امروز شاهد ورود افرادی به جرگه تعزیه هستیم که بدون مطالعه و تخصص، اشعاری می خوانند که در شأن مقام امام حسین ^(ع) نیست. اشعاری که بر پایه سوز و گدازهای سست و روایت های غیرمنطقی بنا شده اند، ماهیت حماسی و تاریخی این هنر را خدشه دار می کنند.

این پژوهشگر نبود یک نهاد نظارتی و متولی مشخص را عامل اصلی انحراف تعزیه دانست. او در مقایسه تعزیه با دیگر هنرهای نمایشی و موسیقی، گفت: موسیقی انجمن دارد، تئاتر متولی دارد، اما تعزیه چون هنر توده های مردم است، متولی خاصی ندارد. این نبود ساختار قانونی و بودجه مشخص، باعث شده است هر کسی با هر سطحی از صلاحیت، وارد این عرصه شود.

غلام زاده با اشاره به تجربه کارگردانی خود در دوران گذشته و همکاری با معین الیکا^(۱) ها کارگردانان سنتی (تعزیه)، به یک چالش بنیادین در نسخه های قدیمی تعزیه اشاره کرد و آن وجود اشعار و روایت هایی است که از نظر تاریخی با واقعیت های واقعه کربلا همخوانی ندارند.

او در این باره گفت: کتابی با عنوان «خاطرات خون خنجیر»

نوشته ام، در این اثر، نسخه های قدیمی را بررسی کردم، اما اشعار ذلت بار، سست و توهمین آمیز را حذف و اصلاح کردم. زیرا احساس کردم این کلمات در شأن مقام امام حسین ^(ع) نیستند.

- تعزیه در قامت هنر نمایش معاصر

این پژوهشگر در ادامه به توانایی هنر تعزیه در همگامی با تکنیک های نوین تئاتر اشاره کرد؛ استفاده از نور، افکت های مختلف و تکنیک های صحنه ای می تواند تعزیه را برای مخاطب امروز ملموس تر کند. من با تلفیق این دو، آثاری همچون «روایت شمر» و «حماسه وهب» را اجرا کردم. هدف، تبدیل تعزیه به یک نمایش «تعزیه گونه» است که در عین حفظ ماهیت، از ابزارهای هنری روز بهره ببرد. غلام زاده با انتقاد از برخی افرادی که گمان می کنند فقط با داشتن صدای مناسب یا حضور در چند مجلس تعزیه، صلاحیت اجرای این هنر را یافته اند، تأکید کرد: تعزیه یک علم و دانش مستقل است. تعزیه دارای قواعد خاص، حالات روحی و روانی، ابزارهای مخصوص و موسیقی منحصر به فردی است. کسی که می خواهد در این عرصه قدم بگذارد، باید سال ها تحقیق کند، مطالعه انجام دهد و به اصطلاح خاک صحنه بخورد تا تعزیه شناس شود. متأسفانه امروز با افرادی روبه رو هستیم که تفاوت میان تعزیه و شبیه خوانی را نمی دانند؛ درحالی که تعزیه مجموعه ای گسترده از شاخه هایی چون نقالی، منقبت خوانی، نوحه خوانی، سخنوری و قصه گویی است.

وی افزود، نباید تعزیه خوانی برای مطرح کردن خود باشد. در مسیر خدمت به امام حسین ^(ع) فرد باید سربه زیر باشد تا کسی متوجه نشود این کار متعلق به اوست. اما متأسفانه اکنون خودنمایی و حرص و طمع، جایگزین اصالت شده است و حتی در شناخت شخصیت ها ضعف وجود دارد. وی درباره تجربه شخصی خود در مسیر اصلاح متون و آموزش نسل های جدید گفت: سی سال تلاش کردم تا اشعار سست را اصلاح کنم. با همکاری استادانی چون مرحوم نوربخش، تلاش کردم با استفاده از دانش زبان فارسی، اشعاری درست و با اصالت بسازیم. در گناباد گروه هایی را راه اندازی کردم و نسخه های اصلاح شده را در اختیار آن ها قرار دادم تا تعزیه با کلمات درست اجرا شود. اکنون با همکاری متخصصان ادبیات می خواهیم که در این مسیر، در اصلاح اشعار ما سهم باشند تا این میراث به دست نااهلان مخدوش نشود.

هرچه کمتر دیده شوی، زیباتر است غلام زاده با انتقاد از معضل اجرای نقش های خاص توسط افرادی که از نظر سن و فیزیک با آن نقش همخوانی ندارند، گفت: تعزیه نباید یک هنر موزنی در خانواده ها باشد. یک بازیگر نباید در سنین بالا نقش هایی را اجرا کند که با تاریخ و سن شخصیت همخوانی ندارد. مثلا وقتی فردی هفتاد ساله نقش علی اکبر^(ع) یا شخصی پنجاه ساله نقش قاسم بن الحسن^(ع) را ایفا می کند، مخاطب دیگر با او هم ذات پنداری نمی کند. در تاریخ سن این شخصیت ها مشخص است و بازیگر باید با آگاهی از این واقعیت، جایگاه خود را در صحنه تعیین کند. پژوهشگر گنابادی با تأکید بر نقش «خدمتگزار» در صحنه افزود: در تعزیه، خودنمایی بازیگر نقیض هدف اصلی واقعه کربلاست. من هیچ وقت به دنبال ایفای نقش های اصلی نبوده ام. در نگاه من، کار در دستگاه سیدالشهدا^(ع) به گونه ای است که هرچه بازیگر کمتر دیده شود، اثرگذاری و وقار کار بیشتر است. من حتی اگر در صحنه نیاز باشد، به جای بازی کردن، به بچه ها کمک می کنم، عمامه را درست می کنم یا امور اجرایی را انجام می دهم. وظیفه کارگردان است که اگر نقشی لنگ زد، با بازیگری به هر دلیلی ناتوان گشت، کار را به تعطیلی نکشد و با حضور نیروهای جایگزین، حرمت کار را حفظ کند.

وی اظهار کرد: من هیچ چشمداشتی برای کار در این حوزه ندارم. حتی حاضر برای راه اندازی گروه های تعزیه در نقاط مختلف ایران، بدون هیچ مددی تلاش کنم. من مزدم را از امام حسین ^(ع) می گیرم و همین برای من کافی است.



شهرآرا

شهرآرا

شماره ۳۳

۱۶ تیر ۱۳۹۵

شماره ۴۸۸۱

۱۱

